

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشت تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

نعمت الله مختارزاده
۲۰۱۰ / ۸ / ۹
شهر اسن – آلمان



بنازم بر تو ای خواهر ،
به تو ای همدم و یاور ،
به تو ای قدرتِ سنگر ،
به تو ای دافع و اسپر ،
تو ای آزاده روشنگر ،
سجیه کامران استی ،
به والله قهرمان استی ،
چو روح و چون روان استی ،
به جسم خسته و زار و علیلِ مادرِ میهن ، چو جان هستی ،
تو فخرِ ملتِ افغانستان هستی .
تو فخرِ ملتِ افغانستانِ باستان هستی ،
که با برنامهٔ روشنگری ،
از طریقِ ،
تلویزیونِ مردمی ،
جهانی آریانا ،

که بی مانند و بی همتا ،
 با برنامه های تاپ و عالی سیاسی ،
 انتقادی ،
 اجتماعی ،
 مذهبی و دینی و فرهنگی و علمی ،
 با برنامه سازان خوش اخلاق و مؤدب ،
 صداقت پیشه و ماهر
 که نور حق ز سیمای یکایک ، ظاهر و باهر
 دهان هر یکی ، چون غنچه گل خندان و صورتهاست نورانی ،
 که منزلهای ما گردیده هم روشن و هم عاطر
 همه ابرار و احرار و همه اخیار ، که با اهل جهان عاشر ،
 نه ، مُغرض ،
 و نه ، اشرار و نه قاتل
 و نه قاصر
 نه چون زاغ و زغن ، در نق نق و ، پق پق .
 همه چون بلبلان خوشنوا و عندلیبان ،
 به الحان خوش قدسی ،
 همیشه در ترنی و تغنی ،
 تو گوئی روح تازه می دَمَد در جسم هر بیجان
 که مردم میتوانند حرف دل را ،
 درد دل را ،
 رو نما بنموده ، آنچه را که در جای دگر امکان گفتن نیست ،
 در تلویزیون آریانا ،
 دور از تعصبات قومی و زبانی
 به تدبیر بزرگمرد مبارز ، (محترم مسکینیار) با وقار و ،
 با غرور ملی ما ، که ،
 همیشه با شجاعت ،
 با صداقت ،
 در خدمت هم میهنان ، روزانه و شبهاست

باز گو دارند
آریانا ، آریانا ،
چه نام با مسما ،
فخر دوران ،
افتخار ملت مظلوم افغان ،
افغانی که تاریخش حوادث را و ،
پر از ماجراهای که چشم روزگار و روزگاران ،
حتا در زمین و آسمان ،
مثل و مانندش ندیده
پخش میگردد ،
روز و شب ، مردانه می رزمی
به تو می نازم ای خواهر
به تو ای شیر بانو
به تو ای شیر خواهر
به تو ای شیر زن
نه ، نه
به تو ای شیر مرد
نه ، نه
به تو ای افتخار شیر مردان
به تو ای افتخار رادمردن
به تو ای افتخار قهرمانان
به تو ای افتخار سر به داران
به تو می نازم ای خواهر
تو فخر ملت افغانستان باستان هستی .
تو فخر ملت افغانستان ، نه ، بل از جهان هستی .
به تو می نازم ای خواهر ،
بگو بر تک تک مردم
که ای مرد و زن افغان ،
که ای خواهر ، برادر ،

بیا با ما به یک سنگر ،
 نه با توپ و تفنگ و راکت و خمپاره و خنجر
 نه با قطع صدا و ، نه زبان و نه گپ و خنجر
 نه با شلاق و نه با دره و ، قمچین و مُهر و تاپه کافر
 به نام امر بالمعروف و ، کام نهی از منکر
 نه با باروت حقانی و نه با راکت و هاوان حکمت یار بد اختر ،
 نه با پیغام آقا (عابدی) (مولتی میلیونر) .
 بلکه ، با تفاهم ،
 افشاءگری ،
 روشنگری ،
 اصلاحگری ،
 با منطق و عقل خرد پرور
 به تو مینازم ای خواهر
 بگو بر تک تک مردم
 که ای مرد و زن افغان ،
 که ای خواهر ، برادر ،
 بیا با ما به یک سنگر
 با عشق و محبت ، در نهایت روح و ریحان ،
 معاشر باهمه اندیشه و باور
 فارغ از تعصب های جنسی ،
 قومی ،
 نژادی ،
 زبانی ،
 مذهبی و ، دینی و دیگر ،
 جهان تازه ای سازیم
 به قول حافظ شیراز
 { بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم
 فلک را سقف بشگافیم و طرح نو در اندازیم }
 طرح نو در اندازیم

به تو می‌نازم ای خواهر
 بیا پا را ، فراتر نه ،
 نه ، برای وحدتِ افغان ،
 بل ،
 برای وحدتِ انسان ، برای وحدتِ عالم
 برای وحدتِ عالم
 آری ، آری آری ،
 برای وحدتِ عالم
 که عالم چون مریضی خفته در بستر
 و چشمانِ امیدش سوی ما و تست ای خواهر
 شده مسمومِ زهرِ نیشِ نامردیِ گاوزنبور و گژدم ،
 غنفل و هم مار و هم اژدر
 چلی و طالب و ملا ، بسی بقال و هم دلالِ افسونگر
 یکی استادِ استتجاء و ،
 دیگر داکترِ غسل و ،
 دگر هم ، بر وضو کردن بود ماستر
 یکی هم قشقه انگلیس خورده بر جبینش ،
 مهرِ دلکبازیِ اکبر ، (الازهر)
 ز رنگِ ارتجاع و تاپه تزویر ، نصب نامِ او داکتر
 سیاست نیکتائی گشته ،
 از قهر و غضب ، انداخته بر گردنش لنگر
 که میگوید رسیده پای شاعر بر لبِ گور و چرا افشاء گری دارد؟
 پی تبلیغِ آمد آمدِ اشرار ،
 یعنی طالبان و گلبدینی های بیمقدار
 کلنگ کرده می رزمند
 به گلبدین و حقانی (دو ملیونیکه کمک) ،
 در مساجد ، ترکها کردند ،
 نصفش بین شهر (مونشن) و (بن) ، تاکنون مفقود گشته
 خپ خپک بی زنگ و جامن مفت میرقصند ،

که گلبدين و حقاني نسوارپک ،

(گل بی دين) ، (گل بد دين) ،

(نکبت مار و ، حکمت غار) ،

صد و صدها ،

نه ،

بل ،

هزار و صد هزاران ،

یتیم و بیوه و معیوب ،

در میهن بجا گذاشت

به تو می نازم ای خواهر ،

بگو بر تک تک مردم

که ای مرد و زن افغان ،

که ای خواهر ، برادر ،

بیا با ما به یک سنگر ،

جهان را یکوطن سازیم ،

من و تو ما شویم و ، اینجهان را یکوطن سازیم

به فرمان و به قانونیکه عرضه کرده من يُظهر

بسازیم اینجهان را یکوطن یک ملک و یک کشور

و اینهم هدیۀ ناچیز از «نعمت» برایت قهرمان خواهر

خدا حافظ ، خدا باشد نگهدارِ تو ، ای خواهر